

پایشان به دانشگاه می رسید طوری آنها را مسخ می کردند که می شدند چریک و هم به خودشان و هم به کشورشان لطمه می زدند و اگر از این منادیان آزادی که بجز برابری به هیچ چیز دیگری هم رضا نمی دهند سوال شود که خوب این آزادی و برابری را که می گوید چه الگویی برای آن می توانید ارائه دهید؟ خواهند گفت که ما همین چند نفر کمونیست بجا مانده از عصر پیش از تاریخ نخستین انسان های روی زمین هستیم که بهتر از مارکس و لنین کمونیست را پیاده خواهیم کرد، این وعده برآستی چند آدم ساده لوح را خواهد فریفت!؟ سوالی است که در آینده یقیناً به آن پاسخ داده خواهد شد. ولی آنچه بعنوان الگو از اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و یا دیگر اقمار کمونیست بجا مانده یک کشور عقب افتاده با مردمانی که برای قدری پول خودفروشی می کنند؛ مناسبانه به علت اشغال ایران توسط عده ای دین فروش این امکان برای همه هم میهنان ما میسر نیست تا از چند و چون فاجعه کمونیستی با خیر گردند، ولی تا ابد در بر این پاشنه نخواهد بود.

اما آنچه مسلم است به بهانه دفاع از زبان آذری کسی حق ندارد که به ملیت آنها توهین کند که ملیت بیش از هر چیز دیگری اهمیت دارد، و اگر زبان را وجه المساله قرار دهیم و برای هر زبان بجای اقوام از واژه ملیت استفاده کنیم؛ با این شکل بجای ایجاد اتحاد یک نفاق ملی بوجود می آید که ملت ایران از فارس زبان گرفته تا آذری زبان و کرد زبان و جمعیت هفتاد میلیونی حال حاضر ایران و نسل های آینده همگی متضرر این وضعیت خواهند شد و فقط دشمنان ایران خواهند بود که به سود سرشاری خواهند رسید مانند عراق که در حال حاضر اصلاً مشکل مثل اینکه نفت آن کشور که به یغما می رود نیست و در پایان هم آمریکا عزیز و گرامی تمام هزینه های خود را برای مردمان عراق صورت حساب خواهد کرد و حتماً هم کسی حق نخواهد داشت که سوال کند که در این مدت چه بلایی سر چاه های نفت آنها آمده است؛ و همین چپاولگران فردا جلوی آبادی و نوکران خود تکه نانی خواهند انداخت تا همچنان با شعار و نه شعور آزادی و برابری سعی در ویرانی میهن مان نمایند.

روانشاد پدرم از آزادی دوباره آذربادگان در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ و برگشت این خطه از کشور به مام میهن برای ما تا آخرین لحظات حیاتش می گفت و سرودی می خواند؛ آذربایجان تاج سر ایران

خاک آذربایجان یعنی وطن؛ یعنی همه ی ایران این عده که با هزینه اجنبی به راه افتاده اند تا تبلیغات سوء نمایند بدانند که حتی یک وجب از خاک ایران از ایران جدا نخواهد شد تا یک ایرانی زنده است، اما من فارس زبان با ایرانی لر زبان و کرد زبان و همه یک صدا فریاد خواهیم زد که چرا به زبان آذری توهین شده و این مورد را برای همبستگی ملی بکار خواهیم برد و آنرا با مداخلات انیرانی در دانشگاه های کشور که اتفاقاً این مورد هم در طول این بیست و هفت سال سابقه داشته پیوند خواهیم زد تا با همبستگی در جنبش رستاخیز ملی دست به یک نافرمانی مدنی بزنیم.

اینکه مردمان ایران در طول این بیست هفت سال فتنه فریب خوردگان پنجاه و هفتی، همواره نشان داده اند از به اصطلاح اپوزیسیون جلوتر هستند، پیش از تابستان مقدمات آنرا می چینند تا با یک اراده ملی و رهبری واحد بتوانیم در کمتر از آن زمانی که حتی بشود پیش بینی کرد اشغالگران انیرانی را از کشور عزیزمان ایران برای همیشه بزوداییم .

همین امروز هم شنیده می شود :

" اگر دستم بریده شود سند جدائی آذربایجان را امضا نمی کنم "



و از پس آن سخنی دیگر است:

**" من می خواهم که هفت دولت زیر بیرق ایران باشد و تو از من
میخواهی که زیر بیرق روس یا هر جای دیگری بروم "**